

نوشتن شکلی از زندگی است

۷۹۱

الف نشریه داخلی انجمن شاعران و نویسندگان گراش است.
الف پنجشنبه هر هفته در gerishna.com منتشر می شود.
الف شماره ۷۹۱ همزمان با جلسه ۸۹۱ انجمن منتشر شد.
این شماره الف ۳ تیر ۱۳۹۵ در گراش منتشر شده است.
آثار خود را به ایمیل gerash@gmail.com برای الف بفرستید.

محمد خواجهپور، فرزانه استوار، ابوالحسن محمودی، حسن تقی زاده و حوریه رحمانیان
اعضای دوره ۳۰ گروه دبیران انجمن شاعران و نویسندگان گراش هستند.
الف نشریه ای مستقل است و آثار منتشر شده تنها دیدگاه نویسندگان است.

بی تو سرد است این حوالی، بازگرد
 خانه زندان، کوچه خالی، بازگرد
 طاقتم دیگر تمام و طاق شد
 از غمت گشتم خیالی، بازگرد
 گریه کردم روز و شب آمد گذشت
 هفته‌ها شد ماه و سالی بازگرد
 سال‌ها هم اینچنین خواهد گذشت
 گر چه رویای محالی، بازگرد
 عمر کوتاهی که رو به نیستی‌ست
 همچو ماهی شد هلالی، بازگرد
 رو به اتمام است عمرم رحم کن
 اندکی مانده مجالی، بازگرد
 شعر آخر می‌سراید «ساعی» ات
 تا بگوید در چه حالی، بازگرد

محمدعلی ساعیان نسب

یک اسکوپ بلوبری



یک پدر و دختر به بستنی فروشی رفتند. پدر گفت: «هر کدام که می‌خواهی انتخاب کن.» او می‌خواست بهترین‌ها را انتخاب کند. اسکوپ اولی را زعفرانی انتخاب کرد دومی را توت‌فرنگی و دیگری را پرتقالی. یک دفعه چشمش به بستنی آبی رنگی افتاد که خیلی به چشم می‌خورد. گفت: «پدر این را هم برایم می‌خری و بگویم یک اسکوپ از آن آبی رنگه توی ظرفم بگذارد؟»

پدر گفت: «فکر نکنم بیشتر از این بخوری. می‌گذاریم برای یک وقت دیگر.» دختر آن بستنی را از یاد نبرده بود و دلش آن را می‌خواست. او کم‌کم داشت به کلاس هفتم می‌رسید. یک روز مدیر مدرسه خبر داد بچه‌ها را به اردوی شیراز می‌برند. پدرش به او سی هزار تومان داد. آن‌ها به هایپرستار رفتند و کلی خرید کردند. برای او فقط دو هزار تومان ماند. دوباره آن بستنی آبی را آن‌جا دید. مرد بستنی فروش گفت: «سه هزار تومان» دوستانش هم خیلی خسیس بودند و به او هزار تومان نمی‌دادند. روزها گذشت و او کم‌کم پیر شد. یک روز پسرش برایش بستنی آورد. بستنی بلوبری. ولی دیگر پیر شده بود و اشتها نداشت بخورد.

پرنیا جمالی

همیشه چند سانتیمتر، چند لحظه با مرگ فاصله داریم.
گاهی مثل تیغ روی پوست قابل دیدن، گاهی مثل قبل از
برخورد ماشین ندیدنی.

@tashbaad

رنج‌های ما رو کسی درک نمی‌کنه.
ما هم رنج‌های دیگران رو درک
نمی‌کنیم. پس بشین چاییتو بخور
سرد نشه.

محتاط‌تر و ریسک‌ناپذیرتر
می‌شی وقتی به یکی دیگه
وصلی و خواه‌ناخواه حال و
آینده‌تون یکیه. اگه تردید
نداشتم می‌گفتم «دست‌وپا
بسته تر».

@ChistaRasouli

لذت هدیه دادن کتاب وقتی که طرف
مقابل خوش‌اش می‌آد بیشتر هم می‌شه!

@Masoud_gh



«راه‌های نرسیدن

به خدا»

نویسنده:

محمود فروز بخش

ناشر: راه نیکان

سال انتشار: ۱۳۸۸

قیمت: ۹۰۰ تومان

کتاب نام جذابی دارد که می‌تواند انگیزه‌ای برای خواندن این کتاب کوچک و ۵۵ صفحه‌ای باشد. «راه‌های نرسیدن به خدا» هشدار برای چاله و چوله‌هایی است که ممکن است در مقابل راهیان راه خدا قرار بگیرد. نویسنده با این پیش‌فرض کار خود را شروع کرده است که با کسانی روبه‌رو است که عرفان را راهی برای رسیدن به خدا می‌دانند و سعی کرده در مباحثی جداگانه مشکلات و انحرافات عرفان‌های موجود را بررسی کند.

محمود فروز بخش هم کلاسی ما است یعنی در حال حاضر دارد مدیریت رسانه می‌خواند و لیسانس خود را در مهندسی پزشکی گرفته این شاخه به آن شاخه پردن‌هایش نشان می‌دهد که خود او هم یک رهرو است که دارد دنبال راهی

می‌گردد و این کتاب، نه کتاب یک مرشد است بلکه رهروی ست که دیگران را از افتادن در دام‌ها بر حذر می‌دارد. کتاب از چهل بخش کوتاه تشکیل شده که در هر کدام نویسنده ادعایی را می‌گوید و سعی می‌کند این ادعا را تحلیل کند. نویسنده مخالف عرفان نیست اما سعی دارد شکلی از عرفان که منطبق با گفتمان رسمی حاکمیت باشد را عرضه کند. گفتمانی عرفانی که در حال شکل‌گیری بوده و تا چند سال آینده دارای قوام و شکل خاص خود خواهد شد. این کتاب هم بخشی از آن جریانی است که سعی دارد نگاه منفی به عرفان که ریشه عمیقی در اجتماع ایرانی دارد را کاهش داده و به نوعی بین فقه و عرفان راه میانه‌ای را بیابد. شاید کتاب تشریح جریانی که گفتم نباشد اما می‌تواند نمونه‌ای از آن باشد. کتاب همان گونه که از نام آن پیدا است «راه رسیدن به خدا» را نشان می‌دهد و هنوز در مرحله نفی قرار دارد. با این وجود خواندن آن برای کسانی که به جملات کوتاه و پندهای زندگی‌ساز علاقه‌مندند می‌تواند جذاب باشد. به دوست عزیزم توصیه می‌کنم که هر چه سریع‌تر وبلاگ نویسی را امتحان کند چون فرمی که او انتخاب کرده به خوبی در وبلاگ‌ها مورد استقبال قرار می‌گیرد. اولین بخش راه‌های نرسیدن به خدا با عنوان «راه رسیدن به خدا» را می‌خوانیم:

راه رسیدن به خدا به عدد انسان‌هاست.

این حرف، حرف درستی است؛ اما ظرافتی دارد که برخی رعایت نمی‌کنند. برخی با استفاده از این کلام مفهوم «صراط مستقیم» که در قرآن آمده را زیر سوال می‌برند. حال آن که این کلام با صراط مستقیم تناقضی ندارد؛ راه مستقیم برای رسیدن به خدا یکی بیشتر نیست. و در واقع راه رسیدن به خدا یکی بیشتر نیست. منتها هر کسی از راهی خود را به این صراط مستقیم می‌رساند. به این راه‌ها «سبیل» می‌گویند. اهل معرفت آنجا که خواسته‌اند طریق کسب معرفت را در کلامی کوتاه بیان کرده باشند و ضمناً انسان را از سرگرم شدن به بافته‌های غیر فارغ سازند، گفته‌اند: «الطریق الی الله بعدد انفاس الخلاق» اندازه تمام انسان‌ها سبیل برای رسیدن به صراط وجود دارد؛ اما صراط یکی است. و هر انسانی هم در مرحله‌ای به صراط ملحق می‌شود. یکی از همان اول به راه ملحق می‌شود، یکی جلوتر. یکی سبیلش خیلی کوتاه است تا صراط برسد، یکی ده دور، دور خودش می‌زند تا خود را به صراط برساند. به هر حال بحث راه‌های رسیدن به خدا، نه دین را نفی می‌کند و نه بخش‌های ثابت شریعت را، نه فطرت را نفی می‌کند، نه یگانگی خدا را. در حقیقت هرکسی برای رسیدن به خدا چاره‌ی ندارد جز آن که خود را به صراط مستقیم نزدیک کند. و اما صراط مستقیم چیست؟ قرآن می‌فرماید: «فاعبدوه هدا صراط مستقیم» اورا عبادت کنید؛ این راه مستقیم است.



محمد خواجه‌پور



روزهای عمر با سرعت سپری می شود... تنها نماندن بهترین کار است...
تنها که باشی دردها زیاد می شوند و نیز غم ها!
آدم ها کم می خندند و گل ها بو ندارند...
و به قول سید علی صالحی: وقتی تو نیستی من هم تنها ترین اتفاق بی دلیل زمین ام...
نتیجه گیری: هر آدمی باس یه دوست مشتی و ناااب و پرانرژی داشته باشه برا تمام لحظه هاش.



@kamelot712

